

سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر )  
کمیته کردستان

### گفتا و چها رهم بهمن

انعکاس درون سازمانی  
سیاستهای بیرونی اقلیت  
در تاریخ چهارم بهمن ماه، درگیری  
مسلحانه ای بین نیروهای اقلیت، در  
مقر مرکزی این سازمان در کردستان بوقوع  
پیوست که در نتیجه آن پنج نفر کشته و  
شش نفر زخمی گردیدند. این حادثه در  
ادامه یک سلسله اختلافات درونی که  
منجر به ایجاد بحران عمیقی در درون  
تشکیلات اقلیت شده بود و در پی بکارگیری  
بقیه در صفحه ۸

### درسهایی از قیام

هفت سال پیش، زمانیکه در ۲۲ بهمن  
توده های میهن ما طلی یک قیام همگانی  
کمر راست کردند تا رژیم مغرور شاهنشاهی  
را که دو هزار و پانصد سال همچون بار  
بقیه در صفحه ۲

## برگزاری نخستین کنفرانس تشکیلات پیشمرگه راه کارگر

اطلاعیه دبیرخانه سازمان درباره  
انتشار بولتن شهدای سازمان  
صفحه ۲۸

### در این شماره

شعر ۱۸ صفحه  
اخبار جنبش ۲۱ صفحه

### پاسخ به نامه ها

صفحه ۱۵

آزادی، استقلال، حکومت شورائی

## دروسهایی از قیام

گرانی برد و نشان سنگینی میکرد بزرپا افکند، و آنرا لگد مال کنند، هیچکس تصور نمیکرد رژیم که جایگزین آن میشود همچون بختکی برگردد همین توده های تحت ستم چنان سنگینی کند که حتی امکان تنفس آزاد را از آنان سلب نماید. رژیم منفور شاهنشاهی در روز ۲۲ بهمن ۵۷ سرنگون شد و برای همیشه به گورستان تاریخ سپرده شد اما جای آن رژیم منحوس فقها نشست که نه رویه پیش و آینه بلکه میل به گذشته، به گذشته های تاریک و قسرون وسطائی داشت. رژیم ارتجاعی فقها که مدل حکومتی خویش را نه بر اساس نیاز های آنی و آتی بلکه بر اساس مدل های دوران توحش و بربریت پایه ریزی مینهد، نه میتوانست و نه میخواست پاسخ مناسبی به خواست توده های مردم، خواستهای که علت العلل قیام قهرمانان آنان بود بدهد، بناگزیر در جهت پیاده کردن الگوی حکومتی خویش به سرکوب انقلاب پرداخت و در این سرکوب هیچ حد و مرزی شناخته و نمی شناسد.

اما برای انقلاب آنچه در هفتمین سالگرد قیام ۲۲ بهمن اهمیت بسزائی دارد، عبارتست از بررسی و درگیری از آن قیام شکوهمند جهت بکارگیری این دروس در روند انقلابی که در پیش است. ۲۲ بهمن همچون رعدی در آسمان بی ابرسیاست ایران نبود. سرریز خشم توده های مردم که همچون بهمنی عظیم در این روز بر سر رژیم شاهنشاهی فرود آمد مقدماتی معین و مشخص داشت. نظام سرمایه داری که از بالا در جهت منافع و الزامات سرمایه جهانی بسط و انکشاف یافته بود، پس از یک وره رونق کاذب، جامعه را در او خرد همه چهل در بحرانی عمیق فرو برد که با تزریق درآمد های نفتی در سالهای اولیه دهه پنجاه به رگهای اقتصادی جامعه، انفجار ختم فروخورده توده ها را به تعویق انداخت، اما باعث تعمیق بحران گردید، مجموعه مناسبات بوروکراتیک حاکم و در راس آن خانواده سلطنتی و اعوان و انصارش در حفظ منافع ویژه خویش چنان برگردد توده های مردم

فشار می آوردند که در آستانه قیام ۲۲ بهمن تقریباً هیچ طبقه اجتماعی بطور قاطع و فعال در کنار رژیم شاهنشاهی نایستادند. رژیم شاه تنفر همه اقشار توده‌های مردم را یکجا علیه دستگاه سلطنتی برانگیخته بود و بهمین دلیل آماج حمله یکپارچه آنان قرار گرفت.

نخستین حرکت از طرف حاشیه نشینان شهر بود. توده‌های محرومی که با مشکلات فراوان سرپناهی برای خود فراهم کرده بودند در مقابل یورش خانه‌خواران کن عوامل رژیم شاهنشاهی، عکس‌العمل نشان دادند و در مقابل آن شجاعانه ایستادند و در ادامه آن حتی به تعرض علیه نهاد سرکوبگر رژیم مسئله خانه‌های خارج از محدوده یعنی شهرداری دست زدند. اخبار این درگیری و درگیریهای نظیر این با خوشدلی از طرف توده‌های وسیع اهالی دنبال میشد. زمینه‌های نفسی حکومت شاهنشاهی گسترش پیدا میکرد. مقوله سرنگونی در ذهن استقبال کننده توده‌های میهنمان به امری ممکن و ضروری تبدیل میشد و در آن شکل میگرفت. از مقطع اولین حرکت حاشیه شهر نشینان در تابستان سال ۵۶ تا قیام ۲۹ بهمن آنسال در شهر تبریز انقلاب تدارک دیده میشد و اعتلای انقلابی جدیدی شکل میگرفت.

انقلاب کار خود را با اسلوب خاص خویش به پیش میرد. قیام قهرمانانه مردم تبریز سرآغاز بحران انقلابی بریستر بحران عمومی سیاسی بود که از تابستان ۵۶ شروع شده و تاکنون ادامه دارد. امر سرنگونی رژیم شاهنشاهی در دستور کار توده‌ها قرار گرفت. سنتها بکار گرفته شدند و چهلم شهیدان تبریز زمینه قیام بعدی و بهمین ترتیب قیامهای موضعی و سراسری را فراهم آورد. حلقات سلسله زنجیرهای حوادث بیکدیگر پیوند خوردند و تمهیدات رژیم در جهت اصلاحاتی که بتواند حاکمیت ننگینش را در همان چهارچوب تداوم بخشد با شکست مواجه گردید. کابینه‌های رنگارنگ جای یکدیگر را گرفتند، شریف امامی جایگزین آموزگار شد اما انقلاب به پیش میرفت و این تمهیدات در ضد انقلاب را و نمیتوانست کرد. توده‌های بخشم آمده تحریر و تحریق شدند و ۱۷ شهریور خونین سرآغاز موقعیت انقلابی ای شد که طی آن، در جهت نفی حاکمیت موجود آنزمان توده‌ها ضمن تعرض، ارگانهای حاکمیت خویش را در رهنهادی که توانستند بشکل شوراها برپا نمودند. رژیم در مقابل، چماق سرکوب عریان را بجای پرچم اصلاح طلبی بلند کرد. کابینه نظامی از هاری تجلی شمشیر از نیام درآمده رژیم شد. تعرض انقلاب

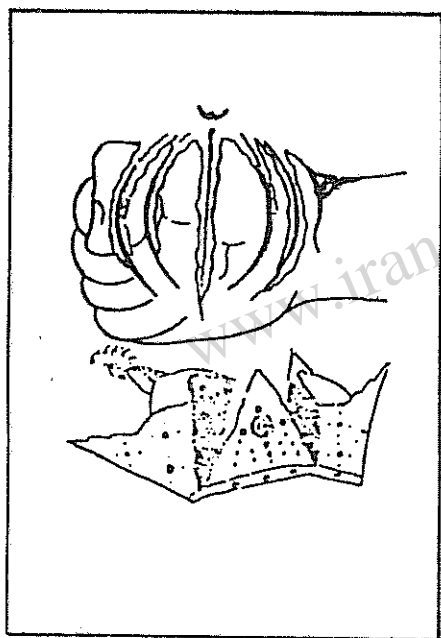
علیه حاکمیت رژیم در این دوران به چنان پایه ای رسید که تعیین کابینه ای همچون کابینه بختیار نیز نمیتوانست اثری در پیشروی خشم آلوده آنان بجای بگذارد بلکه بالعکس قدرت دوگانه با سرعت هر چه بیشتری به نفع انقلاب بسط و گسترش مییافت. سیر حوادث شتاب هر چه بیشتری یافت. روز ۲۲ بهمن توده های مردم با قیام یکپارچه و حمله به پادگانها و تمامی نهاد های سرکوب رژیم، نه تنها حکومت نظامی رژیم که خود رژیم و نظام شاهنشاهی را برچیدند. شاید معدود انقلاباتی را در تاریخ بشری بتوان یافت که توده های مردم بلا یکپارچگی و وحدتی اینچنین در آن فعالانسه شرکت داشته باشند. توده های مردم از هر قشر و طبقه، پیرو جوان، زن و مرد، همه و همه به میدان مبارزه آمدند تا خشم فروخورده قرون و اعصار و نسلهای گذشته را بر سر نظام شاهنشاهی موجود خالی کنند با این امید که به آزادی و استقلال دست یابند اما جمهوری اسلامی داغ این آرزو را بر جگر آنها گذاشت. روحانیت با تکیه بر یاورد اشتباه مذهبی توده ها و سازماندهی سنتی آنان پایگانه

عظیم حمایتی برای خویش فراهم آورد. توده حاشیه تولید، یعنی آن بخش از توده ها که از تولید روستائی کند شده اما به نظام تولید شهری جذب نشده بودند و رژیم شاهنشاهی تمام امید های آنان را به یاس مبدل ساخته بود در کنار خرده بورژوازی سنتی که تحت فشار انحصارات بورژوازی تهدید به نابودی مادی و معنوی میشدند بزرگترین پایه حمایتی روحانیت طرفدار ولایت فقیه را تشکیل می دادند. ورود روستائیان به صفوف بهم فشرده انقلاب قدرت این روحانیت را هر چه بیشتر نمود و روحانیت در ائتلاف با بورژوازی سنتی، تجاری توانست اعتماد بخشی از بورژوازی را جلب نموده و باین ترتیب بر قدرت خود هر چه بیشتر بیافزاید. در واقع میتوان گفت روحانیت طرفدار ولایت فقیه که از نیمه راه انقلاب بعنوان آلترناتیو مطرح شده بود، توانست با اتکا به بازارهایی که در اختیار داشت، در آستانه قیام آنچنان پایگانه توده ای وسیعی کسب نماید که در تاریخ نظایر آن بندرت یافت میشود. اما قدرت جهانی این روحانیت بنیانگذار جمهوری اسلامی، نه در خدمت تحقق اهداف توده

گرامی باد هشتمین سالگرد قیام توده ها

رفت .

اما دوران انقلابی ، مبتنی بر فزون طلبی توده ها و بحران عمیق ساختی جامعه همچنان برقرار ماند و حتی غلظت یافت . رژیم فقها در مقابل این غلظت یابی ، دست



به مانور زد : تسخیر سفارت آمریکا بمطابق کودتای این رژیم برای خلع سلاح کردن نیروهای مترقی ، به انشعاب و انشقاق کشیدن آنها از یکطرف و ازسوی دیگر بیرون راندن لیبرالهایی که بجای سیل ، بازار

ها ، که در جهت تحکیم و تثبیت حاکمیت ارتجاعی وقرون وسطائی خویش بود . بنا براین اگرچه انقلاب شکوهمند توده ها در جهت سرنگونی رژیم سلطنتی موفق بود ، اما از آنجا که مسئله هراقلابی ، قدرت سیاسی است و قدرت سیاسی در این انقلاب نه به یک نیروی انقلابی بلکه به یک نیروی ضد انقلاب که برای بقای خود ، چاره ای جز سرکوب انقلاب نداشت ، انقلاب در همان ۲۲ بهمن بابر سرکار آمدن رژیم جمهوری اسلامی شکست خورد .

اما شکست انقلاب ، به معنای رکود جنبش توده ای نبود ، انقلاب در اعماق می غرید . توده های مردم که علیرغم سازش های روحانیت طرفدار ولایت فقیه و امیرالیم جهانی ، جهت تحول سالم و دست نخورده ماشین دولتی ، دست به تخریب بسیاری از نهاد های سرکوبگر زده بودند ، پس از قیام ۲۲ بهمن و بر سر کار آمدن رژیم فقها ، دست از خواسته های خود برنداشتند . گرچه تحقق این خواسته ها را اینبار نه در حرکات علیه جمهوری اسلامی ، که از خود جمهوری اسلامی انتظار داشته و یا حداقل در چهار چوب آن امکان پذیر می دانستند . و به این ترتیب ، موقعیت انقلابی پس از قیام ۲۲ بهمن ، جز در کردستان از میان

میخواستند، حساسیت توده های زحمتکش را برمی انگیزتند و ظرفیت انطباق با روش های ویژه فقهای حاکم برای سرکوب انقلاب را نداشتند، اما تداوم دوران انقلابی، موجبات سرگیجگی رژیم را فراهم آورد، تا آنجا که اولین ریاست جمهوری، نتوانست ریاست جمهوری طابق النعل بالنعل همان باشد که فقهای حاکم میخواستند.

تضاد های درونی رژیم در اثر فشار روزافزون توده ها تشدید میشد. آغاز جنگ با عراق، همچون رحمتی آسمانی فشار توده ای را جهت احقاق حقوق حقه خود و همچنین تضاد های درونی رژیم را موقتاً کاهش داد.

با در فرصتی دیگر، با شدتی بیشتر خود نمائی کند، نطق رئیس جمهور که در مقابل با فقهای حکومتگر میکوشید از نیروی سازمان یافته سازمان مجاهدین خلق و ناراضای توده ها کمک گیرد، در روز ۱۷ شهریور ۵۹ بیانگر ناراضای روز افزون مردم و تضاد های شدت یابنده درونی رژیم بود. نطق ۱۴ اسفند ۵۹ رئیس جمهور و انعکاس آن در جامعه، سرآغاز اعتلای جدیدی بود که با عملیات مجاهدین که بدون توجه به آمادگی توده های مردم برای قیام مسلحانه دست به سلاح بردند، منجمد شد. مبارزه مسلحانه مجاهدین به شکست انجامید، اما دوران انقلابی پایدار ماند و رژیم تا هم اکنون نیز نتوانسته خود را تثبیت نموده و توده های

مردم را به تمکین و دست برداشتن از خواستهای انقلابی و بحق خود وادار نماید. در این راستا، یعنی عدم تثبیت رژیم، وجود موقعیت انقلابی که نتیجه مبارزه مسلحانه عادلانه خلق کرد در رکود است، جایگاه و اهمیت ویژه ای داشته و دارد.

اما اگر در دوره های انقلاب و وضعیت جامعه برای تعیین تاکتیکهای مناسب اهمیت دارند، درک ضرورت های اساسی انقلاب و تلاش جهت رفع نواقص و نقطه ضعف های آن بطور کلی حائز اهمیت به مراتب بیشترند. در این راستا دریافت دروس اساسی قیام ۲۲ بهمن، هفت سال پیش برای توفیق انقلاب آتی، وزن و جایگاه ویژه ای مییابند.

تجربه قیام نشان داد که دشمنان انقلاب به سادگی قدرت را تحویل نمیدهند. در آن شرایط گرچه موافقتی برای انتقال بی درد سر قدرت، میان حامیان رژیم گذشته و سران رژیم آینده صورت گرفته بود، اما وقتی توده های مردم برای تسخیر قدرت حکومتی بحرکت درآمدند، در میان صفوف دشمن، پذیرش تحویل قدرت بسختی امکان پذیر شد و بسیاری مناطق یا نهاد های حکومتی، مقاومت های حتی شدید صورت گرفت. این تجربه، بویژه در مورد مسئله سرنگونی رژیم فقهای آموزد که باید برای مقابله قاطع و حتی سهمناک در

جهت پیشبرد انقلاب آماده شد. در این میان، سازماندهی نیروی مسلح توده‌ها که در شرایط مناسب باسطح جنبش بتوانند به مقابله قاطع علیه نیروهای سرکوبگر اقدام ورزند امریست ضروری واجتناب ناپذیر و در این راستا سازماندهی نیروی مسلح پیشاهنگ توده‌ها جهت سازماندهی مسلح توده‌ای که بتواند در موقعیت انقلابی بسرعت مبارزه مسلحانه‌ای راشکل دهد، بویژه در شرایطی که امکان انفجار توده‌ای بریستر بحران انقلابی موجود وجود دارد، امریست که باید در دستور انقلاب قرار گیرد.

۲۲ بهمن در عین حال، نهنها به پیشروان، که به توده‌ها آموخت در جریان انقلاب سیر حوادث شتابان است و در این مسیر و جریان، آن نیروی که قدرت بیشتری داشته باشد، خواهد توانست قدرت سیاسی را بدست گیرد و در شرایط کنونی جامعه ما، آن نیروی قدرت بیشتر دارد که توانسته باشد توده‌های هرچه بیشتری را سازمان داده و بسیج نماید. روحانیت ولایت فقیه در عدم حضور منسجم و یکپارچه نیروهای انقلابی و عدم پیوند ارگانیک آنها با توده‌های مردم و یا اتکاء به سازماندهی سنتی خود توانست قدرت دولتی را قبضه کند و در جهت تحکیم آن به قلع و قمع نیروهای انقلابی بپردازد.

اکنون پس از گذشت هفت سال از قیام

۲۲ بهمن که رژیم در اوج درماندگی بسر می برد، بسیاری از شرایط تغییر یافته، همگرایی طبقات و اقشار گوناگون در جهت انقلاب کما بیش از بین رفته و خواستهای طبقاتی و محاله تضادهای طبقاتی تنها حدود زیادی روشن شده و میشوند، بنابراین این انتظار که انقلاب همگامی شیرین، همچون ۲۲ بهمن را داشتن، خیالی خام بیش نیست.

اما آلترناتیوهای موجود عملاً ضعیفند و اپوزیسیون انقلابی در این میان، در اوج پراکندگی بسر میبرد، در چنین شرایطی بی تردید وقوع سستی‌های حادث بین انقلاب و ضد انقلاب، در جهت سرنگونی رژیم فقهی بیشترین احتمال را دارد. بنابراین باید بازوی نظامی انقلاب را عداوت دید و آماده نمود. در این زمینه سازماندهی توده‌ای مسلح در مناطقی همچون کردستان که ترکیبی از جنگ توده‌ای و قیام (که شکل اصلی انقلاب است) اهمیت فوق العاده دارد. باید در کنار تشکیلات منظم پیشمرگه به سازماندهی بازوی نظامی توده‌ای در شهرها همت گماشت. باید توجه داشت از آنجا که شهرها نقش استراتژیک در قیام توده‌ای کردستان دارند، امر سازماندهی توده‌ای مسلح در شهرها اهمیت بسیار

گفتنی... ۰۰۰

مقابله نظامی با آنها می پردازند. این درگیری با خالت فعال پیشمرگان اتحادیه میهنی کردستان خاتمه یافته و با خلع سلاح طرفین درگیر، از ادامه آن جلوگیری بعمل می آید.

از وقوع این حادثه تا بحال، دو جناح مخالف دست به انتشار اطلاعاتی متعده می زده و هر یک از زوایای گفتاوتی با مسئله برخورد کرده اند. جدا از اینکه طرفین تا چه حد در مجموعه گفته های مختلف خود محق اند، آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد، روشن شدن این مسئله می باشد که علت وقوع چنین درگیریهایی چیست و چگونه میتوان از وقوع چنین حوادث ناگواری جلوگیری کرد.

عملکرد درونی و بیرونی يك سازمان سیاسی دارای منشاء واحدی است. بینش و سیستم فکری حاکم بر یک جریان سیاسی که طبعا از پایگاه طبقاتی معینی نشأت می گیرد، عواملی هستند که عملکردهای درونی و بیرونی آن جریان را تعیین میکند. یک نیروی سیاسی بر پایه سیستم فکری خود، همان رابطه ای را که میکوشد با طبقات و اقشار اجتماعی برقرار کند با نیروهای سیاسی دیگر هم برقرار میسازد و چنین عملکردی بر مناسبات درونی آن نیز حاکم میگردد.

سازمان چریکهای فدائی (اقلیت) که طی چند سال اخیر بیشترین تلاش را برای

شیوه های ناسالم و غیردمکراتیکی که در برخورد با اختلافات درونی بکار گرفته میشود، رخ داده است. اختلافات درونی، باعث بوجود آمدن یک جناح در مقابل مرکزیت میگردد و مرکزیت برای مقابله با جناح مخالف، دست به یک سلسله تصفیه میزند که مدت این تصفیه ها در چند روز اول بهمن موجی از اعتراض و ناراضی را در جناح مخالف برمی انگیزاند. بالاخره در چهارم بهمن ماه، مخالفین که اکثریت نیروهای تشکیلات کردستان اقلیت بشمار میروند برای اعلام اعتراض به سیاست های مرکزیت، سه سمت متمرکز اقلیت که در فاصله چند ساعتی مقرر گشته کردستان قرارداد رهسپار میشوند. این عده که صلاحیت مرکزیت را نفی کرده و خود را تابع آن نمیدانستند قصد داشتند که با توسل به اعمال فشار سیاسی، مقاصد خود را به پیش برند. اما نیروهای متمرکز به محض اطلاع از حرکت این دسته، خود را برای مقابله نظامی آماده کرده و دست به سنگر بندی میزنند. وقتی معترضین به محوطه ورودی متمرکز رسیده و میخواهند وارد آن شوند، پس از یک مشاجره لفظی کوتاه، تیراندازی از طرف نیروهای متمرکز آغاز گشته و بدنبال آن، معترضین به



حفظ معیارهای پوپولیستی بکارگرفته و بشدت در برابر نفی چنین معیارهائی مقاومت میکند، گرچه فاقد کمترین پیوند با اقصای طبقات مختلف اجتماعی و بطور خاص فاقد پیوند با طبقه کارگر می باشد، اما بنا به شکلی از روشنفکران و جوانان طبقه متوسط همواره در حوزه شوریک مدافع اعمال اراده سازمانی خود بجای اعمال اراده سازمانی توده ها، ایجاد و تقویت تشکلهای سازمانی خود بجای تلاش برای ایجاد و تقویت تشکلهای توده ای و کارگری و . . . و بالاخره خواهان برقراری حاکمیت سازمان خود بجای حاکمیت کارگران و زحمتکشان بوده است . البته اقلیت تحت تاثیر فضای حاکم برجانبش کمونیستی و فشار نیروهای دیگر، ناگزیر از پذیرش لفظی سمت گیری و سازمانگری کارگری و توده ای شده ولی هیچگاه پای خود را از حد پذیرش لفظی این مسئله فراتر نگذاشته و در مسائل مشخص و عرصه های عملی، در برابر همین مقولات به سختی مقاومت میکند . همین عوامل موجب شده است که اقلیت در طی این چند ساله روند تجزیه و تضعیف را طی نماید و دائما بحران های مستمری را در درون خود بازتولید کند . اقلیت بجای درس گیری از این واقعیات و نفی پیش خود سعی میکند که با تکیه بر تبلیغات، متکراین واقعیت شده و روند روبه افت خود را در گونه جلوه

دهد و هر جا که نمود های منفی این روند خود نمائی کرده، آنرا با عوامل بیرونی و توطئه ای از سوی این یا آن نیروی سیاسی نسبت داده است . از سوی دیگر، اقلیت سعی میکند که همان سیستم فرقه گرایانه خود را که در ارتباط با طبقات اجتماعی بکار میرد در رابطه با نیروهای سیاسی نیز دنبال کرده و همین سیستم فرقه ای و غیر مکراتیک، اقلیت را از نیروهای سیاسی دیگر دور کرده و حتی منجر به تخاصم نام درست فی ما بینشان گشته است .

تلاش اقلیت برای برقراری یک رابطه غیر مکراتیک با نیروهای سیاسی و تلاش آن برای منتسب کردن بحرانهای درونیش به عوامل و توطئه های بیرونی، روند روبه تزایدی از انزوای سیاسی را در برابر اقلیت قرار داده و در طول زمان، آنرا به جریانی هر چه بسته تر تبدیل کرده است .

بی گمان این شیوه عمل فرقه ای تنها در رابطه با نیروهای بیرونی بکار گرفته شده و اقلیت در درون خود نیز ناگزیر از بازگویی همین سبک کار می باشد . برقراری روابط ناسالم و غیر مکراتیک در درون تشکیلات، روید دیگری استهای فرقه گرایانه آن در رابطه با اقصای طبقات اجتماعی و ایضا نیروهای سیاسی دیگر است . نیروی سیاسی ای که در رابطه با اختلافات سیاسی با نیروهای دیگر سعی میکند به ارتباط و زور و

امریست طبیعی و یک مبارزه نظری سالم در درون یک سازمان سیاسی میتواند به رشد و تکامل آن یاری رساند. چنین مبارزه ای میتواند به رشد آگاهی توده های سازمانی بیفزاید و در تصحیح و شفافیت بخشیدن به برنامه و سیاستهای یک سازمان سیاسی نقش موثری ایفا کند. اما چنین مبارزه ای اولاً یک مبارزه ایدئولوژیک است و در نتیجه توسل به هرگونه برخورد فیزیکی، با اصول حاکم بر مبارزه درون تشکیلاتی مغایرت دارد و ثانیاً یک مبارزه ایدئولوژیک سالم درون تشکیلاتی تنها میتواند با تکیه بر مناسبات دیمکراتیک درونی و تبعیت از اصل اساسی سانترالیسم دیمکراتیک به پیش برود.

اختلافات درونی یک نیروی سیاسی باید بشیوه ای مسالمت آمیز و با اتکاء به آگاهی و اراده توده های سازمانی و یکبارگیری اصل سانترالیسم دیمکراتیک مسور در برخورد قرارگیرد و توسل به قهر در رابطه با اختلافات درونی، با تنظیم مناسبات درونی بر اساس معیارهای دیمکراتیک مغایرت دارد. حادثه چهارم بهمن ماه از این نظر که با تنظیم مناسبات درونی بشیوه ای دیمکراتیک مغایر می باشد نیز از نظر ما محکوم است.

با اتکاء به دیمکراسی درون تشکیلاتی است که میتوان با اختلافات درونی بشیوه ای مسالمت آمیز و سالم برخورد نمود. تنها با

در بدترین شکلش به چماقداری متوسل شود، نمیتواند در مقابل اختلافات درونی به سانترالیسم دیمکراتیک و آگاهی توده های سازمانی خود اتکاء کند. برقراری مناسبات غیر دیمکراتیک و توسل به زور در رابطه با اختلافات درونی نتیجه طبیعی سیاستهای حاکم بر اقلیت است که حادثه چهارم بهمن ماه، ناهنجارترین شکل تظاهرات آن میباشد. حادثه تاسف بار چهارم بهمن ماه را صرف نظر از اینکه چه کسی مسئولیت آنرا بعهده داشته و چه کسانی تا چه حد در وقوع آن موثر بوده اند محکوم میکنیم و معتقدیم که چنین حوادثی بشدت به جنبش انقلابی لطمه وارد کرده و موجب تضعیف آن میگردد و تجربه ای در اختیار رژیم جمهوری اسلامی و دشمنان انقلاب قرار میدهد تا با تکیه بدان چهره جنبش انقلابی را واژگونه جلوه دهند و چهره کریه خود را در پشت آن پنهان سازند. یکی دیگر از عواقب زیانبار چنین حوادثی، لطمه وارد آمدن به اعتبار جنبش کمونیستی است، چرا که سازمان فدائی تحت نام کمونیست فعالیت میکند و همین مسئله، بهانه ای دیگرسست نیروهای ضد کمونیست و دشمنان کمونیسم میدهد تا بدین وسیله بر علیه جنبش کمونیستی سمپاشی کنند.

وجود اختلاف نظر در درون یک تشکیلاتی سیاسی و مبارزه درون تشکیلاتی

انقلابی نیست، از طرفین میخواهیم که بجای دامن زدن به چنین فضای ناعاوسی به راه حل‌های اصولی متوسل شوند و با تکیه بر آگاهی و اراده توده‌های سازمانی بکوشند با نقد درست این حادثه، راه حرکت آتسی خود را بر اساس موازین و معیارهای دموکراتیک بگشایند. بی‌گمان اتخاذ چنین راه‌حلی در گرو یک بازنگری جدی به سیاست‌ها و شیوه فعالیت گذشته است.



### منتشّر شد



گزارش هیئت تحقیق کمیته کردستان  
در باره:  
درگیری نیروهای اقلیت با یکدیگر

با انضمام:

توضیحات کمیسیون تحقیق اتحادیه میهنی  
کردستان درباره رویداد میان چریکها  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)  
کمیته کردستان

اعتقاد به دموکراسی واقعی میتوان با مسائل و اختلافات درونی و بیرونی با روشی اصولی روبرو شد. تردیدی نیست آنهائیکه در این سازمان موجود و مسبب چنین شیوه برخورد‌هایی بودند نمیتوانند از این پس نیز در راستای دموکراسی درون‌تشکیلاتی و بیرون‌تشکیلاتی، در قبال نیروهای تحت تنظیمات سازمانی خود و نیروهای انقلابی دیگر قدمی مثبت بردارند بنا بر این با توجه به اینکه توسل به موازین غیر دموکراتیک در مناسبات درونی و بیرونی و در برخورد با اختلافات درونی و بیرونی به سبک کاراقلیت تبدیل شده است، تنها کسانی که با چنین سبک کاری مرزبندی کرده و با آن فاصله بگیرند میتوانند خود را مدافع دموکراسی در مناسبات درونی و بیرون‌تشکیلاتی و برخورد با نیروهای سیاسی و طبقاتی اجتماعی بدانند.

با توجه به اینکه پس از گذشت چند هفته هنوز وضعیت سازمان فدائی بحال عادی بازنگشته و طی این مدت در جناح مخالف، نیروی عمده خود را صرف تقابل با یکدیگر نموده و هر یک بنوعی میکوشند از طریق تبلیغات خود، طرف مقابل را منزوی کنند و نتیجه ادامه چنین وضعیتی جز تضعیف اراده سازمانی خودشان و همچنین وارد آمدن لطمات هر چه بیشتر به جنبش

سنندج در بهار ۵۹ آغاز گشته بود را باز-نگری کرده و برنامه و خط تاکتیکی و عملیاتی حاکم بر این پروسه فعالیت را در دوره های مختلف مورد بررسی قرار دادند. در پرتو بررسی فعالیت گذشته خطوط اساسی

کمیته کردستان سازمان درد ورگدشته در ریاسخگونی به نیازمیرم جنبش خلق کرد - سازماندهی مسلح توده ای - ایجاد و تشکیلات پیشمرگه راه کارگر را در دستور کار خود قرار داده بود. از مقدمه ماتی ترین

## برگزاری نخستین کنفرانس تشکیلات پیشمرگه راه کارگر

فعالیت های خود را در حوزه های مختلف و چگونگی شرکت نیروهای تشکیلات پیشمرگه راه کارگر در جنبش مسلحانه خلق کرد را تبیین کرده و به تصویب رساندند. از آن جمله خطوط اساسی عملیاتها، شیوه حرکت در شرایط گوناگون نظامی، شیوه سازماندهی و تقسیم بندی های شایب و موقت و در حوزه مسائل درونی تعیین خطوط کلی سازماندهی و ضوابط درونی، برنامه برای آموزش نظامی و ارتقاء دانش سیاسی پیشمرگان و ۰۰۰ در بین این خطوط، بر مسئله تلاش برای همکاری با پیشمرگان نیروهای دیگر و تعقیب هرچه بیشتر سیاست همکاری نظامی تاکید شد و بعنوان یکی از وظایف مهم تشکیلات پیشمرگه راه کارگر تعیین گردید. آخرین دستور جلسه کنفرانس انتخاب هیئت فرماندهی نظامی بود که در این قسمت نیز پس از مباحثات لازم، رفقای شرکت کننده در کنفرانس از بین خود افراد هیئت

کارهایی که در این رابطه میباید عملی میشد، برگزاری نخستین کنفرانس تشکیلات پیشمرگه راه کارگر بود، تا طی آن بتوان برنامه کار، هدایت و رهبری این تشکیلات را تعیین کرد. بدین منظور از اوایل بهمن ماه مقدمات کار این کنفرانس تدارک دیده شد. متن پیشنویس گزارش فعالیت نظامی در سالهای گذشته، خطوط برنامه آینده برای تشکیلات پیشمرگه و ضوابط کنفرانس در اختیار رفقای پیشمرگه قرار گرفت. پس از طی این مراحل مقدماتی کنفرانس در روز ۱۱/۱۱/۶۴ شروع به کار کرد طی چهار روز بررسی دستور جلسات و بحث و تبادل نظر رفقای شرکت کننده حول آنها، در روز ۱۴/۱۱/۶۴ به کار خود پایان داد.

طی این جلسات رفقای شرکت کننده در کنفرانس گزارش فعالیت های نظامی سازمان در کردستان را مورد برخورد قرار داد، پروسه فعالیت نظامی پیشمرگان راه کارگر را که همزمان با حمله رژیم به شهر

فرماندهی تشکیلات پیشمرگه را برگزیدند .  
پس از آن با توضیحات کوتاه ای در رابطه با  
دست آورد های جلسات نخستین کنفرانس  
از سوی رفیق مسئول برگزاری جلسات و برخی  
از شرکت کنندگان در جلسه آخرین قسمت  
کارکنفرانس نیز به اتمام رسید و بدین ترتیب  
نخستین کنفرانس تشکیلات پیشمرگه راه  
کارگردانی در فضای دمکراتیک و مملو از برخورد  
های فعال همه شرکت کنندگان پایان  
پذیرفت .

نخستین کنفرانس تشکیلات پیشمرگه در  
پاسخگویی به ضرورت سازماندهی تشکیلاتی  
توده ای در راستای خط و برنامه سازمان ،  
توانست با پایه ریزی تشکیلات پیشمرگه راه  
کارگروفرهم آوردن شرایط فعالیت آن گام  
مهمی بردارد .

سازمان ما از جنبه تشکیلاتی ایجا در  
تشکیله توده ای و وابسته به سازمان را  
اصولی ترین پاسخ به یکی از اهداف مهم  
ما یعنی شرکت در مبارزه مسلحانه  
توده ای در کردستان و پیشبرد سیاستها  
سازمان در این زمینه میداند . از نظر ما  
سازماندهی مبارزات توده ای در اشکال  
متنوع آن و تلاش برای تامین رهبری و پیشبرد

خط و برنامه سازمان در شرایط کردستان  
- جنگ مسلحانه توده ای - در گرو ایجا در  
تشکیله توده ای برای سازمان دادن این  
مبارزه است . تشکیله که در عین برخورداری  
از خصوصیت گسترده گی - توده ای بودن -  
تابع خط و برنامه رهبری سازمان ما بوده و  
به مثابه بازوی مسلح سازمان سیاسی عمل  
نماید . چراکه با توجه به شرایط مبارزه  
توده ای در کردستان تنها تشکیله توده ای  
که عینا و کاملا بر معیارهای ایدئولوژیک -  
طبقاتی یک سازمان سیاسی منطبق نیست ،  
میتواند عرصه بسیج وسیع توده هائی که به  
مبارزه مسلحانه روی می آورند باشد .

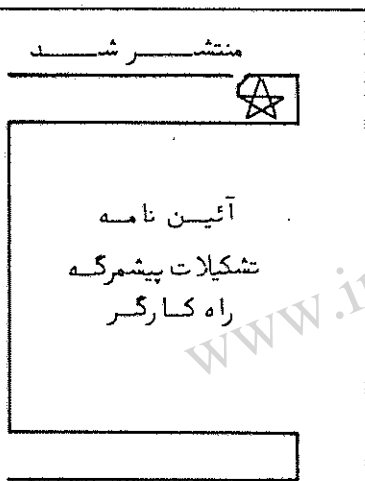
تشکیلات پیشمرگه راه کارگر بعنوان یک  
تشکل متغیر دارای تمامی ویژگی های  
ساختاری یک سازمان است . سازماندهی  
یا سیستم کار درونی این تشکیلات بر پایه  
حاکمیت سانترالیزم دمکراتیک بر تمامی اجزا  
و ارگانیزم این تشکیلات است . عالی ترین  
ارگان تصمیم گیری در این تشکیلات کنفرانس  
سالیه نمایندگان کلیه پیشمرگان واجد  
شرایط است که حول اساسی ترین مسائل  
و سیاستهای این تشکیلات تصمیم گیری  
میکند . در فاصله کنفرانسها هیئت

خودمختاری برای خلق کرد دموکراسی توده ای برای ایران

د راه ایجاد تشکیلاتی توده ای براساس  
پیشبرد مبارزه مسلحانه رابطه تمامی رفقاس  
پیشمرگه و هیئت فرماندهی تشکیلات پیشمرگه  
تهنیت میگوید . برای آن در مسیر سرنگونی  
رژیم جمهوری اسلامی ، برقراری جمهوری  
دمکراتیک توده ای و خود مختاری برای  
کرد آرزوی پایداری و موفقیت های هرچه  
بیشتر مینماید .

فرماندهی که منتخب پیشمرگان است مصوباً  
کنفرانس را پیش برده و تشکیلات را رهبری  
میکند . تشکیلات پیشمرگه راه کارگر فعالیت  
و سیستم کار در رونی خود را بر اساس ضوابط  
مدون در آئین نامه این تشکیلات تنظیم  
میکند . آئین نامه این تشکیلات در فصول  
مختلف بند های معینی رابطه تعیین ضوابط  
برای هدایت و تنظیم کلیه مسائل در رونی  
این تشکیلات اختصاص داده است . بنا بر  
توصیه کنفرانس تشکیلات پیشمرگه و توافق  
کمیته کردستان ، در راستای طرح هرچه  
گسترده تر زوایای گوناگون دیدگاه کمونیستی  
در برخورد به امر سازماندهی جنبش  
مسلحانه توده ای کمیته کردستان تصمیم به  
نشر طنی این سند گرفت .

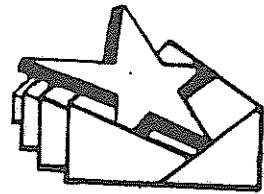
در پایان نشریه ریگای کریگاریایان  
موفقیت آمیز نخستین کنفرانس تشکیلات  
پیشمرگه راه کارگر و برداشتن قدمهای اولیه



### د سهایی ...

موجبات مشوب ساختن افکار توده ها و تقویت  
نیروهای ارتجاعی میگردد ، اهمیت غیر قابل  
انکار در روند انقلابی میهنمان دارد .  
بنابراین بادر سگیری از قیام ۲۲ بهمن  
بادرک شرایط مشخص کنونی باید خود را  
برای مقابله بادر دشمنان رنگارنگ انقلاب  
تشکیل حکومتی توسط کارگران و زحمتکشان  
یعنی دولتی از نوع پرولتری آماده و مهیج  
کنیم .

زیادی در قیام توده ای آتی و بیرون راندن  
یاسرکوب نمودن هرچه سریعتر و سهل تر  
ارگانهای سرکوبگر ارتجاعی دارد .  
سازماندهی توده ها در سطح ملی -  
طبقاتی برای شرکت هرچه گسترده تر افسار  
و طبقات زحمتکش ، اجتناب از بهرز رفتن  
نیروهای گسترده توده های انقلابی و  
جلوگیری از آنچنان هرج و مرج و آشوبی که



## پاسخ به نامه ها

رفیق ر. از آنجاکه در نامه شما سئوالات متعددی پیرامون مسئله ملی و حق تعیین سرنوشت مطرح شده بود که به برخی از آنان در شماره های گذشته نشریه ریگای - کریکار پاسخ لازم داده شده ما در این شماره فقط به دو سئوال شما پاسخ میگوئیم. یکی اینکه پرسیده بودید: " آیا هرکسی که برای خود مختاری مبارزه میکند میتواند هم مبارزه میکند؟ "

ج: حق تعیین سرنوشت يك مقوله مشخصی است نه يك مقوله تئوریک صرف. این بدان معنی است که هر ملتی حق دارد بهر شکل که میخواهد از این حق استفاده کند اما مقدمات لازم است شکل معینی را برای استفاده از این حق خود تعیین نماید. وقتی ملتی برای رفع ستم ملی برمیخیزد و میخواهد خود سرنوشت خویش را تعیین کند، بناگزی سرنوشت مشخصی را در برابر خود قرار میدهد. در این رابطه جنبش خلق کرد برای کسب خود مختاری، جنبشی

برای حق تعیین سرنوشت در شکل مشخص آن است. هر نیرویی نیز که به اهداف ملی این جنبش وفادار بوده و در جهت تحقق آن مبارزه کند، مبارزه اش لا محاله در راستای حق تعیین سرنوشت است. اما اعتقاد به خود مختاری و حتی مبارزه کردن در راه تحقق آن به معنی اعتقاد به حق تعیین سرنوشت تا سرحد جدائی نیست. در این میان گرچه پذیرفتن حق تعیین سرنوشت لزوماً به معنی تلاش در جهت عملی نمودن آخرین حد این حق یعنی جدائی کامل نیست ( کما اینکه ممکن است تلاش در جهت جدائی برای ملتی درست نبوده و حتی برعکس الحاق کامل بسه کشوری درست ترین شیوه استفاده از این حق بحساب آید ) اما واقعیت اینست که هر نیرویی که در برنامه اش چنین حقی را مورد پذیرش قرار دهد، بی تردید اهداف ملی مبارزه اش محدود است. در این رابطه کمونیستها تنها نیرویی هستند که تماماً به این اصل وفادارند و در راه تأمین آن برای ملل تحت ستم پیگیرانه مبارزه میکنند و در این راستا بهترین شکل استفاده از این حق را ارائه میدهند.

سئوال دیگری که در این زمینه مطرح کرده بودید عبارت بود از اینکه: " آیا هر کس که در کردستان برای خود مختاری مبارزه کند میتواند در صفا انقلاب باشد؟ و " آیا

میتوان با آن ائتلاف نمود؟

ج : مبارزه خلق کرد در جهت کسب خود مختاری در مجموع در چهارچوب مبارزه برای آزادی و دمکراسی بوده و از این زاویه هر نیروی که محتوای مبارزه اش با این مبارزه همخوان باشد در صف انقلاب قرار میگیرد . البته تردیدی نیست که در این راستا صرف ادعا کافی نیست و مجموعه عملکرد های یک نیروی سیاسی را باید به حساب آورد و ملاک قرارداد . این امکان همواره وجود دارد که نیرو یا نیروهائی بخوابند تحت همین عنوان مبارزات حقوق طلبانه خلق کرد رابه بیراهه بکشانند . بنابراین باید با تدقیق در عملکرد یک نیرو دریافت که آیا واقعا تحت لوای خود مختاری طلبی بدنبال اهداف و مضامین دمکراتیک آن هست یا خیر . اگر باشد در صف انقلاب قرار گرفته و ائتلاف با آن به لحاظ اصولی خالی از اشکال است . طبیعی است علیرغم بی اشکال بودن ائتلاف با چنین نیروهائی . ارزیابی مسائل مشخص در این رابطه نیز میتواند در عملی شدن یا نشدن ائتلاف نقش بازی نماید . طبیعی است این مسائل در مورد کمونیکه حتی در حرف نیز مسئله خود مختاری را

نمی پذیرند تکلیف یکسره است، آنها نه در صف انقلاب قرار دارند و نه میتوان در این چهارچوب با آنها ائتلاف نمود .  
رفیق س . پرسیده بودید : " تفاوت میان حزب و حکومت ( دولت ) چیست؟ "  
ج : حزب یا گروه سیاسی عبارتست از مجموعه انسانی که حول برنامه و هدف معینی گرد آمده و در جهت پیشبرد این برنامه ها تا دسترسی به هدف یا اهداف خویش در جامعه تلاش می نمایند . این گرد هم آمدن در رون یک چهارچوب تشکیلاتی علی القاعده اجباری نبود و هرکس میتواند ( و باید بتواند ) در صورت تغییر عقیده از حزب و سازمانی بدآمده و هر سیاستی را که قبول دارد دنبال نماید . الزام پذیرش ضوابط درون تشکیلاتی هر حزب و سازمان سیاسی نیز صرفا برای آنهاست که خط و برنامه آن حزب یا سازمان سیاسی را پذیرفته باشند . اما دولت عبارت از مجموعه سازمان و تشکیلاتی است که خط و برنامه آن در تمام حوزه های حقوقی ( قضائی و مدنی ) لازم الاجرا بوده و قوه مجریه و تحت اختیار آن ضامن اجرای این قوانین و مقررات میباشد . تا اینجا روشن است که حکومت مقوله ای در رابطه با امور مربوط به

حقوق تعیین سرنوشت حق مسلم خلقهاست



دولتی را تشکیل داد. بنابراین هیچ حزبی حق حکومت ندارد. این بدان معنی نیست که یک حزب نمیتواند در اکثریتش پایگاه توده‌های خود از طریق اعضاء و کادرهایش برنامه و خط خود را در چهارچوب قدرت دولتی به پیش برد، بلکه بدان معنی است که یک حزب بخودی خود محقق نیست خط و برنامه خود را به قوانین لازم الاجرا برای توده‌ها تبدیل کند. در این زمینه روشن است که هر حزب یا سازمان سیاسی وقتی مدعی حکومتگری شود خواه ناخواه د مکراسی را نقض کرده است.

اداره عمومی جامعه است که قوانین و برنامه‌های آن در سطح یک کشور معین لازم الاجراست. از این زاویه (به لحاظ اصول د مکراسی) یک حزب معین محقق نیست که توده‌های مردم را به پذیرش اجباری آراء و عقاید برنامه‌های خود وادار نماید. حزب یا سازمان سیاسی وظیفه رهبری جامعه یا بخشی از جامعه را به عهده دارد حال آنکه حکومت (دولت) وظیفه اداره عمومی جامعه را عهده دار میباشد. از آنجاکه حکومت تنها حلق توده‌های مردم است، تنها با ارجاع واقعی به آراء توده‌ها میتوان قدرت



آنان از مرگ سرود رهائی ساختند

## جاودان باد خاطره رفقای شهید مهران شهاب‌الدین نورالدین ریاحی

دو تن از اعضای کمیته مرکزی سازمان که پس از ماهها مقاومت پریکید و دلاورانه در برابر دشمن با عشق و الایشان به کارگران و زحمتکشان، پرفرور و استوار در مقابل جوخه تیرباران ایستادند.  
یاد عزیزشان گرامی بساد!

# بهمن گرفت سلطان را

آن ماههای خون و تپش های انقلاب

آن ماههای خشم و شعار و مسلسل و

باروت،

برخاک نغزده ی ایران،

دریاد مانده است .

آن ماههای گفن پوشان

آن ماههای گفن و وزان

آن ماهها که سینه رزمندگان خلق

آماج تیرارزش شاهسی بسود

باقی است،

دریاد بر طروا ت مردم .

در عرصه نبرد

طوفان خشم خلایق

در هم شکست هییت شاهان را .

بهمن گرفت سلطان را ،

بهمن به خون نشست و فرو ریخت

بنیاد کاخهای ستم را

بهمن بساط هرزه شاهی را

چندان مجاله کرد که گوئی

سلطان و شاه قدر قدرت،

از واژگان کهنه ی تاریخند .

وسالهاست که دیگر،

این واژگان

در بین زندگان ،

بسوی کهنگی و مرگ میدهند .

اما هنوز هم که هنوز است،

مثل گذشته ها

درکارخانه ها

سرمایه دار، با قدرت تفنگ حکومت

بخش عظیم کار کارگران را

آسوده سربه چله غارت نشسته است .

برخاک پرتراوت دهقان هم

هرچیزخوب را که بسروید،

هرچیزخوردنی را

هرچیزبردنی را

درسایه تفنگ حکومت ارباب می برد .

بهمن که رفت و کاخ شاه فروریخت،

درسایه تفنگ حکومت

ازاین غنایم جنگسی

به هرکس، سهمی رسید :

زحمتکشان،

درکارخانه ها و مزارع

تولید میکنند

سرمایه دارها و زمینداران

مثل گذشته صاحب سودند .

وحاکمان، حکومت .

با این همه دراین سحر سرد

اردوی کار،

پرچم خونین رزم را

درهرم اتحاد خلائق

برشانه استوارنموده است

منتشر شد



جنگ حزب د مكرات وكومه له  
ومواضع ما

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)  
کمیته کردستان

تا کاخهای غارت و تحقیر خلق را  
با کینه ی طبقاتی

ویران کند به عزم و اراده

اینک :

تدبیر بهمن سرخ دوباره ای

باد ستهای متحد کار

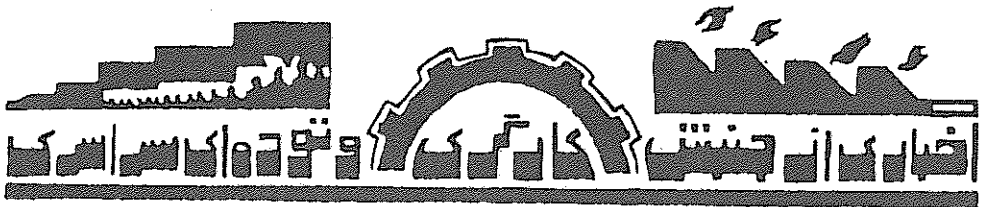
بنیاد میشود .



## اخبار جنبش ...

پاسداران ، اقدام به تعقیب آنها میکند .  
پخش خبرد رگیری بین پاسداران و مردم  
مسلح بلوچ در منطقه باعث میگردد تعدادی  
از افراد مسلح بلوچ به کمک افراد درگیر با  
پاسداران بشتابند . در این درگیری کسه  
۵ روز طول کشید تلفات زیادی برپاسداران  
وارد گردید و آنها زبونانه دست به عقب -  
نشینی زدند . در این درگیری رئیس سپاه  
پاسداران ایرانشهر به نام حیدری نیز  
زخمی میگردد .

هنگام روستا را تحت محاصره قرار میدهند . به  
هنگام صبح درگیری بین افراد مسلح بلوچ و  
پاسداران شروع میشود . در این درگیری د و  
نفر از مردم غیرمسلح که در جشن عروسی  
شرکت داشته اند کشته میشوند و از  
پاسداران چندین نفر کشته و یا زخمی  
میگردند . افراد مسلح بلوچ که تعدادشان  
۴ الی ۵ نفر بود موفق میشوند حلقه محاصره  
را بشکنند و به جنگ و گریز با پاسداران  
بپردازند . با رسیدن نیروهای کمکی برای



به نقل از نشریه راه کارگران سیاسی سازمان شماره ۲۲

حادثه پرمقاومت قهرمانانه

### کارگران ارج

روز چهارشنبه ۶۴/۸/۸ در قسمت پرس کارخانه، دست یکی از کارگران زیر پرس رفته و چهار انگشت وی قطع میشود. بدنبال این حادثه دردناک کارگران قسمت پرس دست از کار کشیده و خواستار اخراج سرپرست مربوطه میشوند. مدیریت شرکت جهت آرام نمودن کارگران، سرپرست مزبور را در ظاهر بعنوان اخراج، بمدت ده روز به مرخصی میفرستند. با آمدن مدیر عامل شرکت از مسافرت خارج از کشور، با شنیدن خبر حادثه فوق بی شرمانه کارگر مجروح را مقصد دانسته و با اصطلاح اخراج سرپرست را غیر قانونی میداند و او را به سرکار برمیگرداند! با بازگشت سرپرست مزبور، کارگران قسمت پرس که پیش از دوستان و پنجاه نفر هستند مجدداً دست از کار کشیده و پائی دستگاهای خود می‌نشینند. این مقاومت و اعتصاب تا این تاریخ

۱۹/۸/۶۴ ادامه یافته و نیروهای سرکوبگر رژیم هم نتوانسته اند این مقاومت را در هم بشکنند.

### اعتراض کارگران به جنگ طلبی رژیم

در کارخانه پاولون، زمانی که کارگران برای گرفتن حقوق به کارگزینی مراجعه کردند، با دریافت حقوق خود متوجه شدند که یک روز از حقوقشان پرداخت نشده است. و با پرس وجو، کارگران متوجه شدند که یک روز از حقوق آنها برای کمک به جبهه های جنگ از حقوقشان کسر شده است. کارگران شروع به اعتراض نمودند و میگویند: "ما جنگ نمی‌خواهیم، تازه هم که خربزه میخوریم پای لرزش هم باید بنشینیم. کارگران با تشدید اعتراضات خود پوینتشار سرانجام موفق بدریافت تمامی حقوق خود میشوند.

## کارگران مد پیریت را کتک زدند

در کارخانه ایران کتف، اعتراضات و مبارزات کارگران برای ایجاد طرح طبقه بندی مشاغل همچنان ادامه دارد. مد پیریت به منظور فریب کارگران، چند تن از آنها را به اتاق خود دعوت مینماید و به آنها میگوید حقوق شما را اضافه خواهیم نمود. در صورتی که اعتراضی صورت نگیرد. وقتی کارگران این خدعه مد پیریت را شنیدند عصبانی شده و بطرف اتاق مد پیریت رفته و شروع به کتک زدن او مینمایند. مد پیریت هم بلافاصله به پاسگاه تلفن کرده و علیه سه تن از کارگران شکایت مینماید. کارگران میگویند: "ما همه از وضعیت حاکم بر کارخانه شکایت داریم و در ردگیری گذشته کارخانه نیز همه کارگران شرکت داشتند." سرانجام سه نفر کارگر مربوطه از کارخانه اخراج شدند.

## پیروزی کارگران رازک

در کارخانه رازک، توزیع اجناس لوکس و درجه یک نه از طریق تعاونی مصرف کارخانه بلکه توسط هیئتی مرکب از یک نفر نماینده هیئت مدیره تعاونی، یک نفر به نمایندگی از طرف مد پیریت و یک نفر به نمایندگی انجمن اسلامی انجام می پذیرد. این هیئت عمدتاً اجناس را میان اطرافیان خود توزیع میکردند و از اینرو اجحاف زیادی در

حق کارگران صورت میگرفت که باعث نا رضایتی شدید کارگران بود. با تشکیل مجمع عمومی تعاونی مصرف در اول آبان ماه کارگران ناراضی خود را هرچه بیشتر آشکار نمودند و با تشدید اعتراضات خسود سرانجام موفق شدند هیئت مزبور را که از مغرورترین و ضد کارگرترین افراد کارخانه بودند، منحل و نقش نظارت را بعهده آنها بگذارند، و در مقابل توزیع اجناس لوکس و درجه یک توسط هیئت مدیره تعاونی و مجمع عمومی کارگران انجام خواهد شد.

کارکنان این کارخانه یک تعاونی مسکن تشکیل دادند که پنجاه و یک نفر عضو آن هستند. در تاریخ ۱۹ آبان جلسه تعاونی تشکیل میشود و اعضا آن خواهان یک وام چهل هزار تومانی از کارخانه برای ساختن مسکن بر روی زمینهایی که از قبل دریافت کرده بودند، میشوند. مد پیریت با دادن این وام به کارگران مخالفست میکند، اما در اشرافش رهایی که از جانب اعضا به مد پیریت وارد میشود، سرانجام مد پیریت با پرداخت وام به پنج نفر بطور ماهانه موافقت میکند. کارگران بشدت از این وضع ناراضی هستند و میگویند در حالیکه مد پیریت بیش از ده و نیز پرداخت صرف هزینه مسجد نموده و گسترش کارخانه و سهم شدن پنجاه درصد از سهام کارخانه در

تلاش میکنند که از رود روشن با کارگران بهره‌یزند . پس از وساعت توقف تولید، از طرف اداره کارگزینی کسانی فرستاده میشوند و ضمن سخنرانی برای کارگران قول میدهند که درآینده نزد یک حق کارگران را پرداخت نمایند . قبلاً در سخنرانی مدیریت گروه صنعتی ملی به کارگران خاطر نشان نمودند که اصلاح تولیدی در کار نیست ! بالاخره پس از یک هفته از این ماجرا حق تولید کارگران چکمه ملی بعنوان اولین شرکت از گروه ملی پرداخت شد اما کارگران با مشاهده مبلغ حق تولید متوجه شدند که مقدار دریافتی بسیار پائین است و بهمین خاطر دو روز بعد از دریافت لیست مزبور مجدداً به کارگزینی مراجعه نموده و خواهان پاسخ مسئولین بعادت کم بودن حق تولید میشوند . بدلیل فشار کارگران به دفتر کارگزینی و حسابداری، آنها اعلام کردند که بهتر است کارگران در قسمتها، و در هر قسمتی لیستی از کارگران تهیه نمودند و بهمراه لیست مبلغ سود قبلی وجدید را نوشته و به حسابداری تحویل دهند تا بررسی شود . کارگران این کار را انجام میدهند اما تاکنون نتیجه‌ای حاصل نشده است .

دست‌احداث داروسازی تبریز و اصفهان شده است حاضر نیست به کارگران برای ساختن يك سرپناه وام پرداخت نماید .

### گفش ملی :

کارگران حق خود را میگیرند !

در اوایل مهرماه، تعدادی از کارگران شرکت چکمه ملی ( وابسته به گروه گفش ملی ) بطور ناگهانی شروع به کف زدن و هو کردن می نمایند . کارگران بدینوسیله خواهان دریافت حق افزایش تولیدشان شده بودند . از طرف کارگزینی کارگران معترض احضار و تک‌تک مورد بازخواست قرار گرفتند . عوامل مدیریت از کارگران معترض، علت را جویا میشوند و کارگران نیز مطرح میکنند : " شما حق ما را نمیدهد و ما نیز مجبور هستیم که از حقمان دفاع کنیم " . کارگران چکمه ملی که از این ماجرا باخبر میشوند بطور دسته جمعی به حمایت از کارگران مورد بازجویی برخاسته و جهت رسیدگی هرچه سریعتر به پرداخت حق تولید دست از کار میکشند . کارگران به دفتر کارگزینی روی آورده و خواهان روشن شدن خواسته شان میگرددند . مسئولین کارگزینی که اوضاع را نامساعد میبینند با تمام نیرو

نان، صلح، آزادی، حکومت شورائی!

## گاهش و توقف تولید در کارخانجات

گاهش و توقف تولید در کارخانجات کشور همچنان و باشد تا ادامه دارد، و این امر باعث فشارهای بیشتری بر وضعیت طاقت فرسای زندگی کارگران شده و به مثابه یک چماق از جانب مدیریت ضد کارگری کارخانجات در مقابل خواسته ها و اعتراضات کارگران به کارگرفته میشود.

در کارخانه ارج، بعلت کمبود مواد اولیه تولید به حد اقل رسیده و مدیریت اضافه کاری کارگران را لغو نموده است. مدیر عامل کارخانه در هفته دوم آبان ماه در سخنان خود خطاب به کارگران مطرح نمود که کارخانه ارج تنها کارخانه ایست که تا بحال روی پای خود شایسته است و وی گفت در حال حاضر مواد اولیه وارد نمیشود و بدین دلیل اضافه کاریها تا اطلاع ثانوی لغو میشود.

در کارخانه لیلاند موتور، قسمت اتوبوس سازی بعلت کمبود مواد اولیه کاملاً خوابیده است و اضافه کاریها در قسمتهای دیگر کارخانه قطع شده و تولید به حد اقل رسیده است. در کارخانه تلفن سازی، بعلت کمبود مواد اولیه تولید تلفن گاهش یافته است. مدیریت کارخانه نیز بدلیل این کمبود و به بهانه گاهش تولید، پاداش شش ماهه اول سال کارگران را پرداخت نکرده است.

در کارخانه فیلیپس، بعلت کمبود مواد اولیه تولید تلویزیون سیاه و سفید به کلی متوقف شده است و در حال حاضر فقط تلویزیون رنگی تولید میشود. ولیکن تلویزیون رنگی از چهل عدد در روز به هفتاد عدد افزایش یافته است. در کارخانه شایع است که از تاریخ ۴ آبان ماه شرکت فقط تا ظهر کار خواهد کرد و مدیریت قصد اخراج کارگرانی را دارد که از او خسر سال ۶۲ به بعد استخدام شده اند. هم اکنون اضافه کاریها قطع شده است.

در کارخانه کابل سازی تک ایران، به علت نداشتن مواد اولیه تولید کاملاً متوقف شده است. کارگران در ساعت کار در محوطه کارخانه به فوتبال و والیبال مشغول شدند و یاپس از زدن کارتشان کارخانه راترک میکردند که اخیراً از طرف مدیریت کارخانه بازی در محوطه کارخانه و نیز بازگشت کارگران به خانه هایشان ممنوع شده است.

در تاریخ بیستم آبان ماه با وارد کردن مقداری مواد از کارخانجات مشابه در تبریز (بعنوان قرض) باردیگر تولید در حد محدودی آغاز شده است.

در کارخانه شیشه قزوین، از ۲۹ مهر ماه دواکوره کارخانه بدلیل فقدان مواد اولیه تعطیل شد. این مواد از خارج وارد میشود. در همین رابطه کارگران ساده را



## ادامه اخراج کارگران

همچنان موج اخراج کارگران از کارخانجات ادامه دارد .

در کارخانه نساجی مالی تکس، سه تن از کارگران اخراج شدند . قبل از اخراج کارگران شایعاتی در کارخانه مبنی بر اخراج بیست و هفت نفر برسر زبانها افتاده بود .

در کارخانه پاولون، کارگران شاهد اخراج و یا استعفای سیزده تن از زنان کارگر در طی چند ماه گذشته بودند . مدیریت ضد کارگری کارخانه برای اخراج کارگران زن دست به تبلیغات زیادی زده و یا سه حيله هائی دست میزند تا بتواند کارگران را مجبور به استعفا نماید . از جمله کارگران زن را مجبوره کارهای شاق و سنگین میکند و روز به روز کارشان را زیاد ترمی نماید .

←

به قسمتهای دیگر کارخانه انتقال داد ماند و کارگران متخصص هر روز سه ساعت به کارخانه می آیند .

کارخانه چوگا، این کارخانه بدلیل فقدان مواد اولیه و ارز لازم برای تهیه مواد وارداتی در آستانه تعطیلی کامل قرار گرفته است، نه تنها از ظرفیت دهها هزار نفری خیزی نیست، بلکه اکنون کمتر از ۳ هزار نفر کارگرو پرسنل دارد که ۱/۳ کارگران و پرسنل کارخانه در معرض بیکار شدن قرار دارند .

کارخانه پوشش بدلیل کمبود مواد اولیه در حال تعطیل است و قصد دارد بیش از هزار نفر از کارگران را اخراج نماید .

کارخانه لوله شمال، بدلیل فقدان مواد اولیه و کمبود ارز تعطیل شد، و شایعه تعطیل کارخانه پاولون برسر زبانهاست .

## اطلاعیه دبیرخانه سازمان . . .

هریک از رفقا اگر چنین خاطراتی در ذهن دارند اعلام از اینکه یاد نامه رفیق شهید در ارگان سیاسی سازمان تاکنون بیان شده باشد یا نشده باشد آنرا ارسال دارند . باتوجه به اهمیتی که انتشار بولتن شهدای سازمان در بر دارد وظیفه تشکیلاتی کلیه رفقاست که با جدیت، علاقه و پیگیری کامل مجموعه اطلاعات خود را در این زمینه جمع آوری کرده و آنرا با سرعت کافی و از هر طریق ممکن برای ما ارسال نمایند . طبیعا رفقا هر جا که لازم باشد می باید از امکانات و استان و آشنایان خود نیز فعالانند کمک بگیرند .

با درود به شهیدان پرافتخار و اسیران قهرمانان

دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر )

## اعتراض کارگران و وحشت مدیریت

مدیرعامل کارخانه نساجی مالی تکس بهنگام سرزدن به یکی از کارگاهها به ونگرا از کارگران میگوید: "شما باید محل کارتان را تغییر دهید و کارگران باید تولید راسه برابر افزایش دهند". کارگران که با زورگویی مدیرعامل مواجه میشوند و درمی یابند که مدیرعامل در پی بهانه برای مجبور کردن آنها به استعفا میباشد، شروع به فحش و ناسزا به مدیرعامل مینمایند. پس از آن مدیرعامل از ترس اینکه مورد حمله کارگران قرارگیرد برای چند روز به کارخانه نیامد.

همچنین در این کارخانه بدنبال قطع برق، کارگران تجمع نموده و بایکدیگر راجع به مشکلاتشان صحبت مینمودند. مدیریت هراسان از این تجمعات، کارگران را احضار نموده و میگوید: "شما دیگر حق جمع شدن موقع رفتن برق را ندارید و هر کس باید در محل کار خودش باشد! کارگران با شنیدن این مطالب صدای اعتراض خود را بلند مینمایند. مدیریت با مشاهده این اوضاع محل را ترک مینماید، و کارگران همچنان به تجمع خود در مواقع قطع برق ادامه میدهند.

## اخباری از بلوچستان

گزارش کوتاه از عمل ترور میرمولداد، خان بلوچستان ایران

این باند جنایتکار بر سر تقسیم پول همیشه بین خودشان رقابت داشته اند که در این بین میرمولداد بیشترین پولها را به جیب زده است. امان الله مبارکی که از طایفه خانهای مبارکی بود در زمان شاه گور بگور شده برای کسب موقعیت شخصی شروع به مخالفتهاش نموده ولی پس از مدت کوتاهی تسلیم رژیم پهلوی شد و ماهانه مبلغی پول از ساواک دریافت میکرد. در زمان پس از قیام مجدداً با عده ای از

بعد از مهاجرت خوانین ضد انقلابی بلوچستان ایران به پاکستان و استقرار این جانیان در کراچی، تمامی طوایف خوانین بلوچستان به سرکردگی میرمولداد سرد ازهی " حزب وحدت بلوچ " را در ارتباط با جبهه سرمایه بوجود آوردند. این باند تبهکار که هدفش تحقق اهداف ضد انقلابی و ضد مردمی جبهه سرمایه در بلوچستان بود و هست، کمکهای کلانی از سلطنت طلبان و امپریالیستهای ریافت داشته اند. اعضا

افراد مسلح بلوچ علیه رژیم خمینی همکاری نمود. این دار و دسته نیز زیر عنوان حمایت از خلق بلوچ، شروع به عسوام فریبی نمود و به همراه تعدادی از مردم مسلح بلوچ با کمین گذاری و برخورد و درگیری با ارگانهای انتظامی رژیم خلیسی سریع توانستند اعتماد عده ای از اهالی را جلب نمایند. بانه "حزب وحدت بلوچ" در صد نزدیک و تماس با امان الله مبارکی برآمد تا او را ترغیب نمایند که با پندیرش سرکردگی میرمولداد به "حزب وحدت بلوچ" بپیوندد. امان الله مبارکی با دست نسبتا پری با آنها مذاکره نمود و در یکی از جلسات از میرمولداد خواست که کمک های دریافت شده از اربابان امپریالیستیش را با او تقسیم نماید، تا در آن صورت به "حزب وحدت بلوچ" بپیوندد. در طی جلسه میرمولداد به دروغ دریافت کمک از سلطنت طلبان و امپریالیستهارا منکر شد. این جلسه و درگیری لفظی بین آنها باعث تشدید اختلافات بین این جنایتکاران گردید. میرمولداد که امان الله مبارکی را بجا به یک رقیب میدانده منظور از صحنه خارج کردن او از پرونده قتل که امان الله مبارکی در پاکستان داشت، استفاده کرده و با دادن رشوه به پلیس پاکستان، امان الله را دستگیر و زندانی می نماید. بعد از مدتی امان الله متوجه توطئه میرمولداد میشود و در این اثناء به همراه رسول بخش و چند نفر

دیگر موفق به فرار از زندان پاکستان میشوند. امان الله و رسول بخش بعد از تجدید قوا، در صد دانتقام از میرمولداد برمی آیند و او را ترور می نمایند. بعد از ترور میرمولداد مدت یکماه بیشتر طول نمی کشد که افراد طایفه میرمولداد سرد از هی با دادن رشوه کلانسی به پلیس پاکستان، بوسیله پلیس امان مبارکی و رسول بخش و دتن دیگر از همراها نشان راه قتل می رسانند. در درگیری بین دست امان الله با پلیس پاکستان بنا به اعتراف خود پلیس در روزنامه های پاکستان حد و پنجه زاری پلیس با ضار فاشش شرکت داشتند. این درگیری که هشت ساعت به طول انجامید، تعداد زیادی پلیس از جمله افسران عالی رتبه پلیس پاکستان کشته و زخمی گردیدند بدین ترتیب در کل ماجرا تعدادی از جنایتکاران و مزدوران بدست یکدیگر به قتل رسیدند.

درگیری پاسداران

### با افراد مسلح بلوچ

در تاریخ مه ماه در دلگان از توابع ایرانشهر پاسداران جمهوری اسلامی که بوسیله جاسوسها از عضو افراد مسلح رژیم که قبلا با پاسداران درگیری داشته اند و در یک جشن عروسی شرکت کرده با خبر میشوند و تعداد زیادی پاسداران را از ایرانشهر برای سرکوب این افراد اعزام میشوند و شب بقیه در صفحه .

## اطلاعیه دبیرخانه سازمان درباره

## انتشار بولتن شهدای سازمان

رفقا!

برای گرامیداشت یاد شهدای عزیزو پرافتخار سازمان وتجلیل آزارمان شکوهمند و حماسه رزم ومقاومت کمونیستی آنان، بولتن شهیدان سازمان در دست تهیه است.

تلاش ما اینستکه، عکس ویاد نامه شهدای سازمان بلحاظ تعداد ومشخصات هر چه کاملتر جمع آوری گردد. به همین منظور لازم است که رفقا کلیه اطلاعات خود را در این حوزه طبق جدول زیر، در اختیار دبیرخانه قرار دهند.

۱- زندگی نامه (نام ونام خانوادگی، محل تولد، تحصیلات و وضعیت خانوادگی ومنشاء طبقاتی و...) .

۲- تاریخچه فعالیت انقلابی و کمونیستی رفیق شهید وبویژه تاریخچه فعالیتش در سازمان ما .

۳- تاریخ ونحوه دستگیری، محل دستگیری، مراحل بازجویی وزندان، روز ومحل شهادت، چگونگی شهادت .

۴- وصیت نامه .

۵- عکس .

۶- برجسته ترین وآموزنده ترین خصایل رفیق .

۷- خاطرات کوتاه که نقاط قوت وخصایل رفقای شهید را بطور زنده وبرجسته منعکس میسازد .

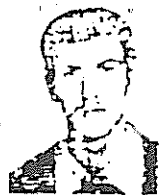
بقیه در صفحه ۲۵



آنان از مرگ سرود رهائی ساختند

جاوردان بادخاطره رفیق شهید

سبیر وس مرادی (کاک بهروز)



بها ۵۰ ریال

تایپ و تکثیر محدود؛ مطبعه کارگران انجمن ایران (رادکر) کتبه خارج از کشور

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر!